

[مقدمه واجب 2](#_Toc28161245)

[واجب نفسی و غیری 2](#_Toc28161246)

[حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث 2](#_Toc28161247)

[تقریب اشکال نقضی به حل مرحوم آخوند 2](#_Toc28161248)

[قصد ارتکازی امر نفسی 2](#_Toc28161249)

[اشکال نقضی مرحوم نائینی 2](#_Toc28161250)

[دفاع از مرحوم آخوند: جریان قصد اجمالی در نماز ظهر 3](#_Toc28161251)

[جواب حلی مرحوم نائینی: امر استحبابی نداشتن طهارات ثلاث 3](#_Toc28161252)

[تقریب دیگری از عدم تحقق عبادیت طهارات ثلاث به امر نفسی 4](#_Toc28161253)

[عدم صحت قصد امر غیری در نماز ظهر به خاطر عدم وجود امر غیری 4](#_Toc28161254)

[صحت قصد امر غیری در نماز ظهر به خاطر مقدمیت نماز ظهر 4](#_Toc28161255)

[حل شبهه تنافی بین کلام مرحوم نائینی 5](#_Toc28161256)

**موضوع**: حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث /واجب نفسی و غیری /مقدمه واجب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث بود. مرحوم آخوند فرمود: طهارات ثلاث استحباب نفسی دارند. مرحوم نائینی چند اشکال بر جواب مرحوم آخوند مطرح کردند. اشکال دوم اندکاک استحباب نفسی در وجوب غیری بود. اشکال سوم، نقضی بود. یعنی طبق جواب مرحوم آخوند وضوی کسانی که غافل از استحباب نفسی هستند، باید باطل باشد، در حالی که گفتنی نیست. مرحوم آخوند شبیه این اشکال را مطرح کرده است و این گونه جواب داده است: قصد امر غیری ِوضو، قصد استحباب نفسی است ارتکازا.

# مقدمه واجب

## واجب نفسی و غیری

### حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث

#### تقریب اشکال نقضی به حل مرحوم آخوند

بحث در مورد ادعای مرحوم نائینی بود[[1]](#footnote-1). ایشان فرمود: تحقق عبادیت طهارات ثلاث به امر نفسی درست نیست. عمده اشکال ایشان این است: توجهی به امر نفسی در وقت اتیان به طهارات ثلاث نیست. یعنی معمولا طهارات ثلاث به قصد امتثال امر به ذی المقدمه اتیان می­شوند. مرحوم آخوند[[2]](#footnote-2) نیز شبیه این اشکال را مطرح کردند؛ اما صیاغت مرحوم نائینی بهتر است. یعنی مردم وضو برای نماز می­گیرند و غسل را برای نماز انجام می­دهند. خلاصه کلام این است که وجوب غیری مورد قصد مردم است.

##### قصد ارتکازی امر نفسی

مرحوم آخوند جواب دادند: کسانی که به قصد امر غیری عمل را انجام می­دهند، باز هم عملشان صحیح است؛ زیرا امر فقط به متعلق خودش دعوت می­کند. اگر مکلف یک عملی را به داعویت امر اتیان می­کند معنایش این است که متعلقش را اتیان می­کند. مثلا در جایی که از مکلف یک نماز چهار رکعتی قضا شده است، این گونه قصد می­کند: همان نماز قضائی که امر به قضا می­گوید، را اتیان می­کنم؛ پس اگر نماز ظهر قضا شده باشد، قصد آن شده است؛ زیرا امر به متعلقش دعوت می­کند. پس مکلف قصد قضای نماز ظهر کرده است ولی از زاویه امر این قصد را کرده است.

###### اشکال نقضی مرحوم نائینی

مرحوم نائینی می­فرماید: لازمه کلام مرحوم آخوند این است که اگر شخصی نماز ظهر را به داعی امر به نماز عصر اتیان کند، باید صحیح باشد. یعنی نماز ظهر یک امر نفسی و یک امر غیری( مقدمه نماز عصر است) دارد؛ اگر کسی گفت: من نماز ظهر را به خاطر امر غیری می­خوانم، باید صحیح باشد درحالی که کسی این حکم را قبول ندارد.

دفاع از مرحوم آخوند: جریان قصد اجمالی در نماز ظهر

مرحوم آخوند می­فرماید: ما می­توانیم وضو را به قصد امر غیری متعلق به وضو اتیان کنیم و لازمه آن نقض به نماز ظهر نیست. نماز عصر به متعلق خودش که نماز عصر است دعوت می­کند و امر غیری دعوت به نماز ظهری که برای عصر است دعوت می­کند؛ پس مرحوم آخوند می­تواند بفرماید: شخص می­تواند نماز ظهر را به قصد امر غیریِ ظهر اتیان کند. یعنی نیت کند که چون خدا به نماز ظهر به صورت غیری امر کرده است، اتیان می­کنم. هر چند که این گونه نیت کردن فقهی نیست.

#### جواب حلی مرحوم نائینی: امر استحبابی نداشتن طهارات ثلاث

مرحوم نائینی می­فرماید: اگر وضو به قصد امر غیری اتیان شود، امر نفسی قصد نشده است. در ذهن مبارک ایشان این مطلب است: قصد امر نفسی نیاز به استقلال دارد و اجمالا صحیح نیست. محل بحث ما با مثال نماز قضا متفاوت است. در بحث نماز قضا گفته می­شود: شخصی یک نماز قضاء دارد یا ظهر است و یا عصر است و یا عشا است. بعد می­گوید: همان نماز قضائی که امر دارد اتیان می­کنم. در این صورت با عنوان اجمالی به آن نماز قضا اشاره کرده است. مرحوم نائینی نیز این مثال را قبول دارد که صحیح است. اما در محل کلام، ما با امر غیری اشاره به واقع مقدمه نمی­کنیم. ما ذات وضو را به قصد امر غیری اتیان می­کنیم. زیرا فرض این است که غافل از امر نفسی هستیم یا قطع به عدم امر نفسی داریم. بنا بر این، اشاره به امر نفسی نکردیم. این که ما با امر غیری قصد امر نفسی را هم کرده باشیم، صحیح نیست. اگر این گونه نیت می­کرد: همان چیزی که امر غیری دارد، حق با مرحوم آخوند است؛ اما وقتی که مکلف ذات وضو را قصد می­کند؛ یعنی قصد امر نفسی نشده است. حتی ارتکازا هم قصد نشده است. مرحوم نائینی قائل است: معنا ندارد که غافل از امر نفسی باشد و در عین حال قصد آن را داشته باشد. چگونه می­شود که در فرض غفلت، وضو را به قصد امر نفسی اتیان کند. بله؛ اگر اجمال داشت و نمی­دانست که وضو چه کیفیتی دارد جا داشت که اشاره اجمالی بشود؛ اما در صورتی که غافل است یا قاطع به عدم امر نفسی است، قابل اشاره اجمالی نیست.

نتیجه: به نظر ما ادعای مرحوم نائینی صحیح است.

### تقریب دیگری از عدم تحقق عبادیت طهارات ثلاث به امر نفسی

مرحوم نائینی اشکال(تحقق عبادیت طهارات ثلاث) را به یک صیاغت دیگری مطرح کرده است. ایشان فرموده است[[3]](#footnote-3): بلا اشکال صحیح است ما طهارات ثلاث را به قصد امتثال امر به ذی المقدمه اتیان کنیم. یعنی داعی شخص به وضو، امر به نماز با وضو است؛پس عبادیت وضو به امر نفسی نیست؛ زیرا اگر عبادیت وضو به امر نفسی بود، باید مکلف امر نفسی را قصد می­کرد و معنا نداشت که امر به ذی المقدمه داعویت داشته باشد. مثل نماز ظهر نسبت به عصر. نماز ظهر مقدمه برای نماز عصر است. در این جا کسی نمی­گوید صحیح است نماز ظهر به قصد امر به نماز عصر اتیان شود. بر خلاف محل کلام. وجه اختلاف این دو مورد این است که نماز مطلوبیت نفسیه دارد و باید به داعی امر خودش اتیان شود. اما وضو مطلوبیت نفسیه ندارد و باید به داعی امر به ذی المقدمه اتیان شود. از این که در مقام، می­توان وضو را به قصد امر به نماز اتیان کرد و در نماز ظهر و عصر نمی­توان نماز ظهر را به قصد نماز عصر اتیان کرد، کشف می­شود که وضو امر نفسی ندارد و نماز ظهر امر نفسی دارد.

#### عدم صحت قصد امر غیری در نماز ظهر به خاطر عدم وجود امر غیری

بعضی جواب داده اند[[4]](#footnote-4): هر چند ما این تفاوت بین وضو و نماز ظهر را قبول داریم؛ اما وجه تفاوت این است که وضو مقدمه است و امر غیری دارد؛ اما نماز ظهر چون امر نفسی دارد، امر غیری ندارد( به خاطر استحاله اجتماع مثلین) و نمی­توان قصد امر غیری کرد. لذا این که ما نمی­توانیم نماز ظهر را به قصد امر غیری اتیان کنیم به این دلیل است که امر غیری ندارد؛ ولی در وضو امر غیری وجود دارد.

##### صحت قصد امر غیری در نماز ظهر به خاطر مقدمیت نماز ظهر

به نظر ما این مطالب ربطی به امر غیری داشتن و نداشتن، ندارد. اولا ممکن است ما بگوییم نماز ظهر امر غیری دارد و اندکاک پیدا می­شود؛ پس امر غیری نداشتن نماز ظهر اختلافی است. ثانیا بر فرض که نماز ظهر امر غیری ندارد؛ اما مقدمیت که دارد. وجه این که می­توان وضو به قصد امر به نماز اتیان شود، این است که مقدمه است نه این که امر غیری دارد. منکرین امر غیری نیز می­گویند می­توان وضو را به قصد امتثال امر به ذی المقدمه اتیان کنیم؛ چون مقدمه آن است. پس اشکال مرحوم نائینی عود می­کند.

به نظر ما در نماز ظهر هم اشکالی ندارد که قصد امر غیری بشود هر چند که الان متعارف این مطلب نیست؛ اما اگر کسی گفت نماز ظهر را امتثال می­کنم برای امتثال امر نماز عصر که مشروط به سبق نماز ظهر است، صحیح است. از لحاظ فنی این گونه قصد کردن صحیح است. در وضو چون مقدمیت در ذهن هست و غالب است معمولا قصد امر غیری می­شود؛ اما نماز ظهر چون امر نفسی آن غالب است، خلاف ارتکاز است که قصد امر غیری شود.

### حل شبهه تنافی بین کلام مرحوم نائینی

مرحوم نائینی تنبیهی را منعقد کرده است[[5]](#footnote-5) و در این تنبیه دو مطلب را مطرح کرده است:

مطلب اول: اندکاک امر غیری با امر نفسی محال است. امر نفسی به ذات وضو تعلق گرفته است و محال است مندک در امر غیری که به وضویِ عبادی تعلق گرفته باشد، بشود. ضابط اندکاک وحدت متعلق است. امر غیری با امر نفسی استحبابی دو متعلق دارند. امر نفسی به ذات تعلق گرفته است و امر غیری به مقدمه ای تعلق گرفته است که قربی است. لذا اندکاک محال است.

مطلب دوم: وجوب نفسی ضمنی اندکاک با استحباب نفسی ذاتی پیدا می­کند و در فرض اندکاک حد استحباب از بین می­رود و اصل استحباب باقی است و می­توان اصل آن را قصد کرد.

با توجه به این دو مطلب، این سوال مطرح می­شود: چگونه مرحوم نائینی از یک طرف اشکال به جواب مرحوم آخوند مطرح می­کند و می­فرماید: امر استحبابی وجود ندارد؛ چون با اندکاک امر نفسی از بین می­رود؛ ولی در تنبیه می­فرماید اصل محبوبیت باقی است؟

جواب این سوال این است: کیفیت طرح اشکال عبادیت مرحوم نائینی به این ترتیب است: ایشان در ابتدا می­فرماید: اگر عبادیت طهارات ثلاث به وسیله امر غیری است که دور است و اگر به وسیله امر غیری نیست که سه اشکال مطرح می­شود. از جمله این اشکالات بحث اندکاک استحباب نفسی در واجب غیری است و استحباب از بین می­رود. بعد در تنبیه این اشکال را جواب می­دهد؛ پس کلام مرحوم نائینی تنافی ندارد. در جایی که بحث اندکاک را مطرح می­کند؛ در مقام تقریب اشکال است و در تنبیه در مقام جواب از بعضی از آن اشکالات است. در حقیقت در تنبیه، جواب از انعدام امر نفسی به وسیله اندکاک را مطرح می­کند.

1. [اجود التقریرات، نائینی، ج1، ص175.](http://lib.eshia.ir/10057/1/175/ثانیا) [↑](#footnote-ref-1)
2. [اجود التقریرات، نائینی، ج1، ص111.](http://lib.eshia.ir/10057/1/111/فالتحقیق) [↑](#footnote-ref-2)
3. [اجود التقریرات، نائینی، ج1، ص175.](http://lib.eshia.ir/10057/1/175/ثالثا) [↑](#footnote-ref-3)
4. [منتقی الاصول، سید محمد حسینی روحانی، ج2، ص250.](http://lib.eshia.ir/13050/2/250/الثانیة) [↑](#footnote-ref-4)
5. [اجود التقریرات، نائینی، ج1، ص177.](http://lib.eshia.ir/10057/1/177/تنبیه) [↑](#footnote-ref-5)